

## Feminist Stylistics in Ghazale Alizade and Mostafa Mastur's Short Stories

Hossein Razavian<sup>1</sup>, Neda Zare<sup>2</sup>

### Article Info

#### Article type:

Research article

#### Article history:

Received: 23 November 2023

Accepted: 21 December 2023

#### Keywords:

Feminine style,  
Sara Mills  
Ghazaleh Alizade,  
Mostafa Mastoor,  
Persian short stories

### ABSTRACT

Every poet or writer uses a certain method to express what they have in mind which varies from that of any other poet or writer. The same quality applies to the world of literature in which each male or female poet or writer has his/her particular style in a way that each of the canonic figures' style doesn't bear many similarities with that of the other. Also, male and female writers, each in their particular way, have been under the influence of the social factors of their era, their behavioral traits and beliefs, and qualities which led to a special style of their own. In this study, an attempt has been undertaken to answer the following question: Do female writers possess a different and particular style in their writing or not? To answer to this question, an analysis of five stories by Qazal Alizade, added to five stories by Mostafa Mastur has been done based on Sarah Mills' theoretical framework. Based on the outcomes of this study, a conclusion must be reached that as a female writer, Qazal Alizade, exhibits a feminine style by using a high frequency of words related to the female domain, more tendency to apply emotional figures, more use of ambiguous figures, a tendency for writing with a simple style and also an inclination for breaking the grammatical structures and incomplete sentences, shows a feminine style. Contrary to that, although Mastur has focused on the condition of women, his style cannot be counted as that of feminine. Hence, this research confirms that the feminist style and linguistic characteristics of this style in women writers are meaningfully obvious and differ from male writers.

**Cite this article:** Razavian, H., & Zare, N. (2023). "Feminist Stylistics in Ghazale Alizade and Mostafa Mastur's Short Stories". *Journal of Linguistic Studies: Theory and Practice*, 2 (1), 85-103.



© The Author(s).

Publisher: University of Kurdistan.

DOI: [10.22034/JLS.2023.140165.1052](https://doi.org/10.22034/JLS.2023.140165.1052)

1. Associate Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Semnan University, Semnan, Iran E-mail: [razavian@semnan.ac.ir](mailto:razavian@semnan.ac.ir)
2. M.A. in Linguistics, Department of Linguistics, Semnan University, Semnan, Iran. E-mail: [nedazare022@gmail.com](mailto:nedazare022@gmail.com)

سال دوم، دوره دوم، شماره اول، شماره پیاپی سوم، پائیز ۱۴۰۲، ص ۱۰۳-۸۵  
سبک زنانه در داستان‌های کوتاه غزاله علیزاده و مصطفی مستور

حسین رضویان<sup>۱</sup>، ندا زارع<sup>۲</sup>

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	هر شاعر و یا نویسنده برای بیان آنچه در ذهن خود دارد، از شیوه خاصی استفاده می‌کند که متفاوت از دیگران است. در دنیای ادبیات نیز هر شاعر و یا نویسنده زن یا مرد سبک خاص خود را دارد، به طوری که سبک هر یک از بزرگان ادبی به دیگری شباهت ندارد. نویسندگان زن و مرد هر کدام به نحوی تحت تأثیر عواملی مانند باورها و عقاید خود، عوامل اجتماعی دوران خود، جنسیت و مشخصه‌های رفتاری خاص خود، سبک خاصی دارند. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی تلاش می‌کند تا بر اساس چارچوب نظری سارا میلز به این سؤال پاسخ دهد که چگونه نویسنده زن و مرد دارای سبک متفاوتی در داستان‌های کوتاه فارسی هستند. برای پاسخ به این پرسش سبک زنانه در پنج داستان کوتاه فارسی از غزاله علیزاده و پنج داستان کوتاه از مصطفی مستور بر اساس چارچوب میلز بررسی شده است. نتایج نشان داد که علیزاده به‌عنوان یک نویسنده زن با استفاده از بسامد بالای واژگان متعلق به حوزه زنان، گرایش بیشتر به استفاده از صورت‌های عاطفی، رنگ‌واژه‌ها، صورت‌های مبهم، گرایش به ساده‌نویسی و همچنین گرایش به ساخت‌های خلاف قواعد دستوری و جملات ناتمام، سبکی زنانه دارد، در مقابل، با وجود اینکه مستور در داستان‌های خود به وضعیت زنان توجه نشان داده است، ولی ساخت‌های مذکور در داستان‌های بررسی شده او پرسیامد نیست. بنابراین جستار حاضر تأییدی است که سبک زنانه و مشخصه‌های زبانی مربوط به این سبک در آثار نویسندگان زن به میزان و شکل معناداری هویداست و با نویسنده مرد تفاوت دارد.
تاریخ وصول:	
۲ آذر ۱۴۰۲	
تاریخ پذیرش:	
۳۰ آذر ۱۴۰۲	
واژه‌های کلیدی:	
سبک زنانه، سارا میلز، غزاله علیزاده، مصطفی مستور	
داستان کوتاه فارسی	

استناد: رضویان، حسین؛ زارع، ندا (۱۴۰۲). «سبک زنانه در داستان‌های کوتاه غزاله علیزاده و مصطفی مستور». پژوهش‌های زبان‌شناسی:

نظریه و کاربرد، ۲(۱)، ۸۵-۱۰۳.

ناشر: دانشگاه کردستان



حق مؤلف: نویسندگان

DOI: 10.22034/JLS.2023.140165.1052

۱. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. [razavian@semnan.ac.ir](mailto:razavian@semnan.ac.ir)

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. [nedazare022@gmail.com](mailto:nedazare022@gmail.com)

## ۱. مقدمه

با توجه به اینکه نیمی از جمعیت جامعه را زنان تشکیل می‌دهند و با توجه به جایگاهی که زنان در جامعه و حوزه ادبیات از آن خود کرده‌اند لازم است تا در قالب یک پژوهش تحلیلی، سبک زنانه در آثار ادبی مورد واکاوی قرار گیرد. همچنین توجه به مسائل زنان و رشد و شکوفایی نویسندگان زن در جوامع مختلف بسیار دیده شده است. درباره این موضوع در غرب پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است و از آنجایی که زنان سهم عظیمی در جامعه ادبی ایران دارند خلأ عدم بررسی سبکی کلی با عنوان سبک زنانه برای نویسندگان زن در داستان‌های کوتاه فارسی انگیزه-ای در جهت انجام این پژوهش بوده است. بدیهی است که زن با مرد و مرد با زن فرق می‌کند، گرچه از نگاه خداوند هستی، هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست اما به هر تقدیر، در ساحت زندگی زمینی و اجتماعی، به اقتضای جنسیت، تفاوت‌های جدی بین زن و مرد وجود دارد. هر نویسنده در آثار خود از ویژگی و خصوصیات ویژه‌ای بهره می‌جوید. یک روش جهت پی‌بردن به این ویژگی و مشخصه‌ها، بررسی عناصر به کاربرده در آثار آن نویسنده است؛ بنابراین تحت تأثیر جنسیت و تفاوت‌های موجود بین زنان و مردان آثار خلق شده توسط آن‌ها با یکدیگر متفاوت است. یکی از راه‌های بررسی این ویژگی‌ها و تفاوت‌ها، تحلیل سبک زبانی به کاررفته توسط نویسنده است که در حوزه سبک‌شناسی<sup>۱</sup> انجام می‌شود.

سارا میلز<sup>۲</sup> در پژوهشی با عنوان سبک‌شناسی فمینیستی<sup>۳</sup> به مطالعه سبک فمینیستی پرداخته است، هدف او در این کتاب بررسی تفاوت بین نوشتار مردان و زنان و همچنین بررسی نقش جنسیت در متون است. مقاله پیش‌رو با اتخاذ چارچوب نظری میلز و با استخراج و واکاوی عناصری که میلز از آن‌ها به عنوان عناصر زنانه یاد کرده است، تلاش می‌کند تا سبک زنانه در داستان‌های کوتاه فارسی را در آثار دو نویسنده زن و مرد-غزاله علیزاده و مصطفی مستور- بررسی کند. نگارندگان در صددند تا نشان دهند که نویسنده در داستان خود از عناصر و نشانگرهای مرتبط به جنس خود استفاده می‌کند. همچنین، تأثیر جنسیت بر سبک نوشتار نویسنده چگونه است؟ و چگونه نویسندگان در خلق آثار خود تحت تأثیر جنسیت و باورهای خود قرار می‌گیرند؟ جامعه آماری مورد استفاده در این پژوهش متون داستانی زبان فارسی است. از هر دو

---

<sup>۱</sup>stylistics

<sup>۲</sup>Sara Mills

<sup>۳</sup>feminist stylistics

نویسنده (علیزاده و مستور) چند داستان کوتاه بررسی شده است. نمونه آماری در این پژوهش استفاده از پنج داستان از نویسنده زن (غزاله علیزاده) و پنج داستان از نویسنده مرد (مصطفی مستور) است. با توجه به چارچوب نظری به تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده به روش توصیفی-تحلیلی از داستان‌های کوتاه پرداخته می‌شود. مجموعه داستانی تهران در بعد از ظهر دارای شش داستان کوتاه است که؛ *هیاهو در شیب بعد از ظهر*، *چند روایت معتبر درباره بهشت*، *تهران در بعد از ظهر*، *چند روایت معتبر درباره دوزخ* و *چند مسئله ساده* از آن انتخاب شده است. داستان *شجره طیبه* و *پاندارا* از مجموعه داستانی *سفر ناگذشتنی* غزاله علیزاده، داستان جزیره از کتاب *با غزاله تا ناکجا* و داستان *جفت* که برای نخستین بار در مجله آرش شماره ۱۶ منتشر شده است از آثار انتخاب شده غزاله علیزاده هستند.

## ۲. پیشینه پژوهش و مطالعات مرتبط

فیاض و رهبری (۱۳۸۵) ادبیات را با تمام الزامات ادبی خود به‌عنوان، روایتی از زبان در نظر می‌گیرند و دو نسل از نویسندگان را با توجه به متغیر جنسیت تحلیل می‌کنند. در این مقاله با استفاده از روش تحلیل گفتمان و وارد کردن گونه‌های ادبیات مکتب فرمالیسم<sup>۱</sup>، دو جفت متن ادبی در فاصلهٔ چهل ساله بررسی شده‌اند تا ویژگی‌های جنسیتی و ادبی آن‌ها استخراج گردد. آثاری که این پژوهش برای مطالعه انتخاب کرده است؛ سه رمان و یک داستان بلند متعلق به دو نسل از نویسندگان معاصر ایران است. دو رمان *سووشون* از سیمین دانشور و *شازده احتجاب* از هوشنگ گلشیری به‌عنوان نمونه‌های نسل پیش از انقلاب و *من چراغ‌ها را خاموش می‌کنم* اثر زویا پیرزاد و رمان *نام‌ها و سایه‌ها* از محمدرحیم اخوت به‌عنوان نمونه‌های پس از انقلاب برگزیده شده‌اند. در بین متون مورد بررسی، تفاوت‌های زبان (نثر) نویسندگان زن و مرد در دو بخش نحوی<sup>۲</sup> و واژگانی<sup>۳</sup> مورد بررسی قرار گرفته است. زنان و مردان هم در بخش نحوی و هم در بخش واژگانی از قواعد متفاوتی پیروی کرده‌اند. در بخش نحوی مردان قواعد دستوری زبان را پیچیده‌تر از زنان نقض کرده‌اند و درحالی که مردان تأکید بیشتری بر شکل زبان داشته‌اند، زنان بیشتر به قواعد زبان معیار وفادار مانده‌اند و در داستان‌هایشان تأکید اصلی بر محتوا و به سرانجام رساندن داستان است. تفاوت زنان و مردان در بخش واژگانی نسبت به موارد دیگر بارزتر است.

<sup>۱</sup>Formalism

<sup>۲</sup>Syntactic

<sup>۳</sup>Lexical

نویسندگان زن از واژگان برگرفته از محیط اطراف بیشتر استفاده می‌کنند. نوشته‌های زنان بیشتر از مردان در توصیف رنگ و فضای اجتماعی بوده است و از این رو زبانشان آمیخته به واژگان محیط است. در مقابل مردان از واژگان محیط اطراف استفاده می‌کنند.

نیکوبخت و همکاران (۱۳۹۱) به تحلیل و بررسی روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد بر پایه سبک‌شناسی فمینیستی پرداخته‌اند. در این پژوهش بر ضرورت تحلیل سبکی آثار داستانی زنان به‌عنوان روشی برگزیده در تحلیل ویژگی‌های زبانی، ادبی و اندیشگانی این آثار تأکید شده است. یافته‌های نشان داد از نخستین اثر نویسنده یعنی مجموعه داستان مثل همه‌ی عصرها تا رمان عادت می‌کنیم، در سطوح مختلف متن (واژگان، جملات و سطح گفت‌وگو) دیدگاه زنانه نمود یافته است. این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر نظریه سبک‌شناسی فمینیستی نوشته شده و مسئله اصلی آن، بررسی عناصر سبکی آثار داستانی پیرزاد است. همچنین، کوشش شده است تا به این پرسش پاسخ داده شود که در آثار این نویسنده چه تحولی در حوزه زبان و محتوا رخ داده است.

یونسی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی نشانه‌های سبک زنانه در ادبیات داستانی معاصر پرداخته‌اند. به باور آن‌ها تفاوت‌های زبانی زنان و مردان، از اواخر دهه ۶۰ میلادی، در کشورهای غربی و در نتیجه یافته‌های پژوهشگران جامعه‌شناسی زبان و فعالیت‌های آزادی خواهانه فمینیست‌ها صورت گرفت. بسیاری از پژوهشگران و صاحب‌نظران، بر این باورند که زنان به خاطر خلق و خو و روحیات متفاوت، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به جهان دارند؛ از این رو معتقدند که کاربردهای زبانی و شیوه نویسندگی آنان متفاوت است. در این پژوهش، به روش آماری توصیفی-تحلیلی و برپایه دیدگاه‌های برخی پژوهشگران و نظریات پژوهشگران زبان‌شناسی اجتماعی، برای کشف نشانه‌های سبک زنانه در نویسندگی، هشت رمان شامل چهار رمان زن نوشت و چهار رمان مردنوشته در لایه زبانی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان داد که از شاخص‌های کاوش‌شده در حوزه زبانی، رمان‌های زنان در هیچکدام از این شاخص‌ها، از نظر بسامد یکسان نیستند و گاهی این ویژگی‌ها در رمان‌های نویسندگان مرد برجسته‌تر از رمان‌های نویسندگان زن است. بنابر نتایج حاصل از این پژوهش نشانه‌های سبک زنانه در لایه زبانی (واژگانی و نحوی) قابل اثبات نیست و بهتر است این نشانه‌ها در شیوه‌های روایت از جمله زاویه دید، شخصیت‌پردازی، لحن، صحنه و... جست‌وجو شود.

### ۳. نظریه و سبک زبانی میلز

یکی از منابع معتبر در زمینه سبک زنانه، کتاب *سبک‌شناسی فمینیستی* نوشته میلز (۱۹۹۵) است. او با بینشی ترکیبی از ادبیات و زبان‌شناسی، از دیدگاه فمینیستی دلیل منطقی برای بازجویی از متون را فراهم می‌کند. هدف کتاب *سبک‌شناسی فمینیستی* این است که جنسیت در متون را به‌عنوان مسئله کلیدی مطرح کند. این کتاب نشان می‌دهد که نوشتار زنان در فرهنگ اروپای غربی ممکن است به روش‌های متفاوتی از مردان انجام شود و یا خیر، اما واقعیت این است که تفاوت بسیاری بین نوشتار زنانه و مردانه وجود دارد که طیف وسیعی از عوامل این تفاوت‌ها را مشخص می‌کند. این کتاب با در نظر گرفتن برخی از مسائل نظری آغاز می‌شود، اینکه چه متنی را استفاده می‌کنیم و اینکه این مدل چگونه می‌تواند نوع تفسیر را مشخص کند.

برآیند مطالعات نشان می‌دهد مردان از ذهن، شخصیت زن و دنیای زنانه درک کاملی ندارند و همواره به زنان در ارتباط با مردان توجه کرده و به ارائه کلیشه‌های از شخصیت زن بسنده کرده‌اند (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۰۳). در متن‌هایی که نویسندگان زن نوشته‌اند، نگرش انتقادی به فرهنگ مردسالار داشته‌اند و در آثارشان ضمن برخورد با کلیشه‌ها به بیان تجربیات صرفاً زنانه پرداخته‌اند. موارد یادشده مهم‌ترین دلایلی است که میلز در کتاب خود به آن‌ها پرداخته و ضرورت تحلیل سبکی آثار داستانی زنان را ذکر کرده است.

میلز معتقد است: «نویسندگان زن در ساختار و محتوای آثارشان گزینه‌های متفاوت زبانی را دربارهی ویژگی‌های زنانه، عواطف و احساسات و دیدگاه‌های زنان به کار می‌برند که در تحلیل سبکی باید در سه سطح: تحلیل بر اساس واژه‌ها، تحلیل بر اساس جمله‌ها و تحلیل بر اساس گفتمان انجام گیرد. در سطح واژگان باید به کاربرد واژگان، اسامی، ضمائر، جملات بیانگر حالات و عواطف زنان و ... توجه کرد. در سطح جملات نیز باید دقت کرد واژه در چه جمله‌ای به کاررفته است و به عبارتی، در سطح هم‌نشینی با چه کلماتی همسانی ایجاد می‌کند. میلز معتقد است تحلیل در سطح گفتمان تابه‌حال مورد تأکید قرار نگرفته ولی اهمیت دارد تا ارتباط کلمات باهم در سطوح بالاتری بررسی شود.» (همان: ۱۰۶-۶۶).

میلز (۱۹۹۵) معتقد است در سبک زنانه و بررسی سبکی نویسنده زن باید سؤالاتی مطرح شود تا بتوان آن را تحلیل کرد. به‌طور خلاصه در تحلیل سبک زنانه سؤالات زیر باید مطرح گردد:

- متن چه نوع متنی است؟

- به چه ژانری تعلق دارد؟ (رمان، تبلیغات، روزنامه، آهنگ)
- آیا تمایلی برای زنان و مردان وجود دارد که با این نوع از متن مرتبط باشد؟ (به‌عنوان خواننده، نویسنده‌گان، اشیاء بازنمودی)
- چطور تولید شده است؟ (با نویسنده با به‌صورت ناشناس)
- تاریخچه متن چیست؟ چگونه آن را خواندید؟
- آیا سبک مورد استفاده زنانه است یا مردانه؟
- جملات کوتاه هستند یا بلند؟ آن‌ها از بند تابع با پیرو تشکیل شده‌اند؟
- از چه واژگانی استفاده شده است و این واژگان چه مفهومی از هویت زنانه را بازتاب می‌دهد؟
- صدای زنانه در متن چگونه بازتاب داده شده است؟
- روند تکوین سبک زنانه در برخورد با مردان و زنان در متن چگونه است؟
- آیا عبارات‌ها و جمله‌های به کاررفته در متن متأثر از جنسیت نویسنده است؟
- چه کسانی در متن دارای کنش هستند؟
- آیا از زنان بیشتر استفاده شده است یا از مردان؟
- آیا ساختارهای بزرگ‌تری در متن وجود دارد که به نظر برسد متن وابسته به جنسیت است؟
- راوی چه کسی است؟ متن بر چه کسی تأکید می‌کند؟
- زاویه دید چگونه است؟
- متن بر منافع چه کسی تأکید می‌کند؟
- چه افعال، عناصر یا اجزائی با زنان ارتباط دارد؟

#### ۴. بررسی سبک زنانه در داستان کوتاه

غزاله علیزاده از نسل اول زنان داستان‌نویس است که ۲۷ بهمن ۱۳۲۵ در مشهد زاده شد. مادرش منیر السادات سیدی خود شاعر و نویسنده بود. غزاله در کودکی درون‌گرا و باهوش بود. وی که اولین کتابش «بعد از تابستان» در سال ۱۳۵۵ منتشر شد، بعدها سفر ناگذشتنی، مجموعه سه داستان کوتاه و رمان دوجلدی *خانه ادیسی‌ها* و *چهارراه* را منتشر ساخت که با این مجموعه داستان، نام او به‌عنوان نویسنده‌ای معتبر در قصه‌نویسی معاصر ایران به ثبت رسید. دو منظره، *شب‌های تهران*، *خانه ادیسی‌ها* از رمان‌های او می‌باشد، همچنین مجموعه داستان‌های او با نام‌های *بعد از تابستان*، *سفر ناگذشتنی*، *چهارراه* منتشر شده است. *تالارها*، *رؤیای خانه* و *کابوس زوال* از سایر نوشته‌های

او از مجموعه چهارراه می‌باشد. مجموعه داستانی سفر ناگذشتنی در سال ۱۳۵۶ توسط چاپخانه نقش جهان منتشر شد. غزاله عزیزاده در هریک از آثارش با زبانی ساده و نثری گویا، حس زنانه و روایت زندگی زنان را بیان کرده است. در آثار او شاهد زبانی گیرا و البته ساده هستیم که به بیان زندگی می‌پردازد و در میان بیان خود سعی در بیان زن دارد. درون‌مایه‌ی اصلی همه‌ی داستان‌های عزیزاده به‌نوعی گویی قصه زن بودن است.

مصطفی مستور که متولد ۱۳۴۳ از اهواز است، فارغ‌التحصیل کارشناسی عمران و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی است. او از نویسندگان نام‌آشنای حوزه داستان کوتاه است که نخستین داستان خود را با عنوان دو چشم‌خانه خیس در سال ۱۳۶۹ نوشته و در همان سال در مجله کیهان به چاپ رساند. وی نخستین کتاب خود را نیز در سال ۱۳۷۷ با عنوان عشق روی پیاده‌رو شامل دوازده داستان کوتاه به چاپ رساند.

عشق روی پیاده‌رو (مجموعه داستان)، روی ماه خداوند را ببوس (رمان)، چند روایت معتبر (مجموعه داستان)، من دانای کل هستم (مجموعه داستان)، استخوان خوگ و دست‌های جزامی (رمان) حکایت عشقی بی‌قاف بی‌شین بی‌نقطه (مجموعه داستان)، نشر چشمه ۱۳۸۴، «دویدن در میدان تاریک مین» (نمایش‌نامه) نشر چشمه ۱۳۸۵، «پرسه در حوالی زندگی» (عکس‌نگاری)، نشر چشمه-نشر ریش ۱۳۸۵، «من گنجشک نیستم» (رمان)، نشر مرکز ۱۳۸۸ از آثار روایی مستور است. درون‌مایه‌ی اغلب داستان‌های مصطفی مستور محور اصلی تمامی شخصیت‌ها نشان دادن حقیقت‌های موجود در اجتماع و زندگی ما انسان‌هاست.

بامطالعه نقش زنان در تحولات ادبی ایران، با زبانی مواجه می‌شویم که آگاهانه و بدون هیچ محدودیتی برخلاف تصور و باورهای زمانه مطابق میل و خلیات خاص زنانه خود می‌نویسند و با شیوه جدیدی برای بیان فردیت، احساسات و تجربه‌های زنانه خود را بیان می‌کنند و هویت زنی را نشان می‌دهند که با ارزش‌های نهادینه‌شده و سنتی جنسیتی در ستیز است. بر اساس مطالعات بسیار گسترده‌ای در گفتار و نوشتار زنان در سال‌ها و فرهنگ‌های مختلف، شاخصه‌هایی به‌عنوان سبک زنانه به آثار زنان نسبت داده شده است که خارج از معنای ارزش‌گذارانه‌ای که در تقابل‌های دوگانه وجود دارد، سبک زنان را در تقابل با سبک سخن مردان قرار می‌دهد. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: کاربرد فراوان صورت‌های بیانگر، صورت‌های مبهم زبان، کاربرد فراوان منادا، جملات معترضه و عاطفی، بسامد زیاد جملات ناتمام، گرایش به ساده‌نویسی و



جزئی‌نگری، سخن گفتن از موضع ضعف و عدم اقتدارگرایی، کاربرد فرایندهایی که فعالیت ذهنی زیادی نمی‌طلبد. این پژوهش پنج داستان کوتاه از مجموعه داستان‌های غزاله عزیزاده و پنج داستان کوتاه از مجموعه داستان‌های مصطفی مستور را مورد بررسی قرار می‌گیرد. پنج داستان کوتاهی که از غزاله عزیزاده انتخاب شده است داستان شجره طیبه و پاندارا از مجموعه داستانی سفر ناگذشتنی، جزیره، بعد از تابستان و حضرت می‌باشد.

در تحلیل سبک‌شناسی، علاوه بر بافت متن که عبارت است از ویژگی‌های موجود در یک متن مانند صداها، واژگان، جملات و عبارات‌های زبانی که ویژگی‌های صوری متن را تشکیل می‌دهند، باید به بافت موقعیت غیرزبانی یعنی ویژگی‌های برون‌متنی اثرگذار بر زبان و سبک نیز توجه کرد. (فاولر، ۱۳۹۰: ۱۰۱؛ وردانک، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۰).

داستان‌ها در این بخش در سه سطح لغوی (کاربرد واژه‌ها)، سطح نحوی (کاربرد جملات) و سطح گفتمان (ویژگی‌های برون‌متنی و دیدگاه‌ها) بررسی و تحلیل می‌شوند. در بررسی سطح اول که کاربرد واژگان می‌باشد، بر واژگان مورد استفاده در اثر تأکید می‌گردد؛ در سطح نحوی تأکید بر روی انتخاب الگوهای جمله است و در سطح گفتمان نیز تأکید بر ویژگی‌های برون‌متنی می‌باشد. نکته دیگر این است که در بررسی آثار داستانی زنان، در ساختار زبان، پاره‌ای از ویژگی‌های یادشده از جمله بسامد کاربرد رنگ واژه‌ها، قیدها و جمله‌های پرسشی وجود دارد؛ ولی برای تحلیل محتوا و درون‌مایه کافی نیست؛ بنابراین در سطح اول به بررسی واژگان متعلق به حوزه زنان و صورت‌ها و اقلام واژه‌های عاطفی و در سطح نحوی به بررسی توصیف و جزئی‌نگری، جمله‌های پرسشی و استفاده از نشانه‌های فرازبانی می‌پردازیم. در سطح گفتمان نیز مواردی از قبیل ویژگی‌های معنایی صحنه و درون‌مایه، فضا و صحنه زندگی شخصیت‌های داستانی، خود شخصیت‌های داستانی، نقش، گفتمان‌های زنانگی و... بررسی خواهند شد.

#### ۱-۴ بررسی سطح لغوی (کاربرد واژه‌ها)

در این بخش گزینش هدفمند واژگان مطرح است و باید به این پرسش پاسخ داد که نویسنده از رهگذر روابط جانمایی به گزینش چه واژه‌هایی پرداخته است و این واژگان در نمایش منظومه فکری نویسنده چه نقشی دارد.

#### ۴-۱-۱ واژه‌های متعلق به حوزه زنان

از جمله ویژگی‌های آثار علیزاده سادگی و عاری از هر نوع پیچیدگی بودن است. ساده‌گویی یکی از ویژگی‌هایی است که امکان ارتباط بهتر و بیشتر نویسنده را با مخاطب فراهم کرده، حاصل کاربرد ساختارهای دستوری ساده، توصیف‌های راحت و نیز اقلام واژگانی عام و تکراری مناسب با فضا و ذهنیت زنانه است. علیزاده در آثار خود به مسائل زنانه از جمله عشق، رؤیایپردازی، حس مادرانه، ترس و خانواده می‌پردازد. از آنجا که نویسنده درباره فضای زندگی زنان می‌نویسد، واژگان متعلق به این حوزه در داستان‌هایش از بسامد زیادی برخوردار است. در بررسی در سطح لغوی از داستان‌های غزاله علیزاده، همچنین بررسی واژگان متعلق به حوزه زنان مشاهده می‌شود که تحت تأثیر عقاید و باورهای نویسنده واژگان انتخاب شده به موضوعاتی اشاره دارد که مربوط به حوزه زنان می‌شود البته که جنسیت نویسنده نیز بی‌تأثیر نبوده است. تحلیل و تجزیه داده‌ها در این بخش نشان می‌دهد که هر پنج داستان علیزاده که مورد بررسی این پژوهش قرار گرفته است از واژگانی استفاده کرده که به موارد زیر اشاره می‌کنند و در همه داستان‌ها نیز تکرار شده است، از آنجا که نویسنده درباره فضای زندگی زنان می‌نویسد، واژگان متعلق به این حوزه در داستان‌هایش از بسامد زیادی برخوردار است. این موارد عبارت‌اند از نوع پوشش زنان و پوشاک، نظافت و پاکیزگی، انجام امور خانه‌داری، پذیرایی و میزبانی، آرایش زنان، مادری، ظرف و ظروف آشپزخانه، بافتن، خرید منزل، توصیف خانه و وسایل خانه، تزئینات منزل و زیورآلات.

به نمونه‌هایی از این واژگان در زیر اشاره شده است:

- گروهی زن پرهیاهو، سیدهای مرغ زنده و تخم مرغ در دست در انتهای قایق شان به‌شانه نشستند (علیزاده، ۱۳۸۷: ۳).

- صاحب‌خانه رو کرد به آن‌ها: «چرا تکان نمی‌خورید؟ از خانم پذیرایی کنید» (علیزاده، ۱۳۸۷: ۶).

- دختر بزرگ‌تر چادر نماز را دور کمر گره زد، در استکانی چای ریخت و آن را با قندانی برنجی در سینی گذاشت (علیزاده، ۸۱۳۸۷).

در داستان‌های منتخبی از مصطفی مستور واژگان و جملات زیادی دیده نمی‌شود که به حوزه زنان اشاره‌ای داشته باشد، در کل پنج جمله در دو داستان هیاهو در شیب بعدازظهر و تهران در بعدازظهر از این پنج داستان وجود داشت که به پوشش و آرایش زنان اشاره کوتاهی کرده است.

- پیرزن گفت: «از من؟» و لبخند زد. عینک آفتابی تیره‌اش را روی چشم‌هاش جابه‌جا کرد و روسری‌اش را جلو کشید (مستور، ۱۳۸۹: ۱۲).

- رژ سرخی را از کیفش بیرون آورد و کشید روی گوشه‌ی لبش (مستور، ۱۳۸۹: ۳۲).

جدول (۱): تعداد واژگان مربوط به حوزه زنان در آثار منتخب علیزاده

داستان کوتاه	تعداد جملات	تعداد واژگان
جفت	۲	۳
جزیره	۱۵	۲۱
شجره طیبه	۱۲	۱۸
پاندارا	۱۳	۲۱
بعد از تابستان	۳۳	۵۵

جدول ۱ میزان واژگانی که مربوط به امور زنانه می‌شود را نشان می‌دهد. داستان بعد از تابستان

علیزاده بیشترین بسامد را داشته و ۵۵ واژه را به کار برده است.

جدول (۲): تعداد واژگان مربوط به حوزه زنان در آثار منتخب مستور

داستان کوتاه	تعداد جملات	تعداد واژگان
هیاهو در شیب بعدازظهر	۲	۲
تهران در بعدازظهر	۳	۳

طبق جدول ۲، مستور کم‌ترین استفاده از واژگان مربوط به امور زنانه را دارد او در مجموع

پنج واژه را به کار برده است.

#### ۴-۱-۲ صورت‌ها و اقلام واژه‌های عاطفی

کاربرد تکیه کلام زنانه در کنار شخصیت زنان همنشینی خاص ایجاد می‌کند و برای پرداختن به موضوعات و مسائل خاص زنان، انسجام در لفظ و محتوای آثار علیزاده رعایت شده است. واژه‌های عاطفی که عموماً از طریق زنان بیان می‌شود می‌تواند عباراتی باشد، همچون «بمیرم الهی»، «حیونکی»، «طفلی» و ... که در این میان واژه «طفلک» تنها سه بار در کل این پنج داستان کوتاه علیزاده به کار رفته است.

- دختر سرانگشت‌ها را بر گونه‌ی چپ فشرد: «وحشیانه است! طفلک بچه‌ها» (علیزاده، ۱۳۷۸: ۴).

- دختر لب‌ها را غنچه کرد، در نور نیم تاب، دهانش سرخ و روشن بود: «طفلکی‌های بی‌گناه!» (علیزاده، ۱۳۷۸: ۱۴).

- طفلکم پیشانی ساده‌رو سوی نور گرفته بود و لبخند می‌زد (علیزاده، ۱۳۵۶: ۱۶).

تکیه کلام‌های زنانه فوق در هیچ‌یک از پنج داستان مستور دیده نشده است.

#### ۴-۱-۳ بسامد فراوان کاربرد رنگ‌واژه‌ها

بسامد کاربرد واژه‌های توصیف رنگ و گل در آثار نویسنده گستره و تنوع زیادی دارد. این ویژگی به گونه‌ای است که در توصیف هر چیزی ابتدا رنگش را بیان می‌کند. زبان‌شناسان معتقدند رنگ‌هایی که مردان به کار می‌برند، بیشتر شامل چند رنگ‌واژه‌ی خاص مانند سرخ، سفید، سبز و آبی است؛ ولی در آثار زنان رنگ‌های زیادی به کار می‌رود (لیکاف، ۱۹۷۵: ۳۸).

- سرشو می‌تراشن روپوش خاکستری تنش می‌کنن تاب تحمل اون تشنج‌ها رو ندارم (علیزاده، ۱۳۴۶: ۳).

- نیر از کوجه‌های پیچ‌درپیچ برفی می‌گذشت با بینی سرخ و پالتوی قهوه‌ای (علیزاده، ۱۳۴۶: ۴).

- راه را با قطار زیرزمینی هم می‌شد آمد اما اتوبوس آبی‌رنگ است (علیزاده، ۱۳۵۶: ۱۶).

در داستان‌های مستور نیز رنگ واژه‌ها کاربرد داشتند، او در پنج داستان خود از رنگ واژه‌ها بهره برده است و در زیر به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

- به کوه‌ها که نوکشان هنوز از برف سفید بود (مستور، ۱۳۸۹: ۱۰).

بطری سبز کوچکی را با فاصله بالای دهانش گرفته بود و آن را کج کرده بود (مستور، ۱۳۸۹: ۱۰).

جدول (۳): رنگ و واژه‌های به کار برده شده در آثار منتخب علیزاده

داستان کوتاه	تعداد رنگ و واژه‌ها
جفت	۱۰
جزیره	۶۶
شجره طیبه	۳۵
پاندارا	۴۴
بعد از تابستان	۶۵
مجموع	۲۲۰

جدول ۳ نشان می‌دهد که علیزاده در مجموع ۴۰ رنگ و واژه در پنج داستان منتخب به کار برده است که با تکرار هریک مجموعاً ۲۲۰ می‌باشد. هر داستان از علیزاده شامل چند رنگ و واژه می‌باشد. طبق جدول فوق داستان جزیره دارای بسامد بالا از لحاظ کاربرد رنگ و واژه می‌باشد و بعد از این داستان «بعد از تابستان» دارای بیشترین رنگ و واژه است.

جدول (۴): تعداد رنگ و واژه‌ها در آثار منتخب مستور

داستان کوتاه	تعداد رنگ و واژه‌ها
هیاهو در شیب بعد از ظهر	۹
چند روایت معتبر درباره‌ی بهشت	۱۴
تهران در بعد از ظهر	۴۳
چند روایت معتبر درباره‌ی دوزخ	۱۰
چند مسئله‌ی ساده	۱

#### ۴-۱-۴ بسامد فراوان کاربرد صفت

بسامد این واژه‌ها در آثار علیزاده به گونه‌ای است که در هر صفحه تعداد زیادی از این واژه‌ها تکرار شده است. از آنجایی که در هر صفحه از داستان‌های او صفات و قیود بسیاری برای توصیف شخصیت‌ها و اتفاقات داستان به کار برده شده است در زیر به نمونه‌هایی از آن‌ها بسنده می‌کنیم:

با احتیاط از حیاط لیز یخ‌زده گذشت (علیزاده، ۱۳۴۶: ۴).

یادش بخیر؛ مادر بزرگ زنده بود و من در شروع جوانی، تازه از فرنگ برگشته بودم، همه چیز برایم عجیب بود. حالا می‌خواهم بدانم آنجا چه تغییری کرده، مثل ما عوض شده یا هنوز تروتازه است؟ (علیزاده، ۱۳۴۶: ۱).

جدول (۵): تعداد صفات در آثار منتخب علیزاده

تعداد صفات	داستان کوتاه
۷۵	جفت
۷۱۴	جزیره
۹۵	شجره طیبه
۷۹	پاندارا
۱۱۸۶	بعد از تابستان
۴۶۱۵	مجموع

جدول (۶): تعداد صفات در آثار منتخب مستور

تعداد صفات	داستان کوتاه
۳۲	هیاهو در شب بعد از ظهر
۲۴	چند روایت معتبر درباره‌ی بهشت
۴۹	تهران در بعد از ظهر
۲۱	چند روایت معتبر درباره‌ی دوزخ
۲۴	چند مسئله ساده
۱۵۰	مجموع

#### ۲-۴ بررسی سطح نحوی (کاربرد جمله‌ها)

در این سطح، بر انتخاب الگوهای جمله تأکید است. در آثار علیزاده ویژگی‌هایی در ساختار جمله‌ها دیده می‌شود که مختص گفتار و نوشتار زنان است. در آثار مستور خاصیت مشخصی به چشم نمی‌آید و نویسنده اصراری ندارد به نحوی خاص سخن بگوید، بلکه راوی کاملاً مرد است و کاربرد جملات صلابت و محکمی کلام یک مرد را دارد. هر چند خالی از لطف نخواهد بود

اگر مطرح کنیم که گفتار زنانه در آثار علیزاده به این معنا نیست که نشان از ضعف کلام باشد بلکه آنچه علیزاده در لحظه بیان روح و کلام یک زن در داستانش می‌گوید گویی به‌واقع یک زن سخن می‌گوید، هم محکم و رسا، هم از سر ضعف و سستی و ناتوانی است، هم از سر قدرت و مبارزه، هم از سر شکست و غصه می‌باشد.

#### ۴-۲-۱ توصیف و جزئی‌نگری

یکی از ویژگی‌های مهم زبانی در آثار زنان، توصیف و جزئی‌نگری در روایت داستان‌ها است که در آثار علیزاده بسیار برجسته است و با دقت خاصی به‌کاررفته که اغلب با بسامد استفاده از صفات و رنگ و واژه‌ها در گزاره‌ها همراه است. در آثار او توصیف‌ها به سبک رئالیستی و در قالب جمله‌های کوتاه و ساده به کار می‌رود. جمله‌ها اغلب طبیعی و ساده به کار رفته‌اند؛ در آثار مستور نیز گاه چنین مشخصه‌ای یافت می‌شود.

علیزاده در توصیف هر گزاره‌ای به جزئی‌ترین موارد نیز توجه داشته است و کوچک‌ترین مورد را هم در توصیف خود به کار برده است، او تحت تأثیر جنسیت خود، مانند تمام زنان که در توصیف هر چیزی از نکته کوچکی نیز غافل نمی‌شوند، به توصیف در داستان‌هایش پرداخته است. در زیر به نمونه‌ای از توصیفات او اشاره خواهد شد:

نیر از کوچه‌های پیچ‌درپیچ برفی می‌گذشت. با بینی سرخ و پالتوی قهوه‌ای. معلم مدرسه بود. از پنج سال پیش که پدر و مادرش مردند با برادرهای دیوانه‌اش توی یک‌خانه قدیمی زندگی می‌کرد. جلوی در چوبی ایستاد. آن را با کلید باز کرد. وارد خانه شد. درخت‌های بید و کاج را برف گرفته بود. با احتیاط از حیاط لیز یخ‌زده گذشت. جلوی ایوان رسید. اطراف ایوان پنج تا اتاق غیرمسکون بود. در اتاق ششم او و برادرهای دیوانه‌اش زندگی می‌کردند (علیزاده، ۱۳۴۶: ۴).

#### ۴-۲-۲ جمله‌های پرسشی<sup>۱</sup>

کاربرد جمله به شکل حدیث نفس یکی از ویژگی‌های سبکی علیزاده است. چنین ویژگی در آثار مستور بسیار ضعیف است. غزاله علیزاده در روایت داستان‌های خود از جملات به‌صورت پرسشی استفاده زیادی داشته و تقریباً در پایان اکثر جملات خود یک پرسش نیز مطرح کرده

<sup>1</sup> Interrogative Sentences

است. غزاله علیزاده در داستان جزیره از کتاب «از غزاله تا ناکجا» جملات پرسشی به کار برده است.

#### ۴-۲-۳ معترضه<sup>۱</sup>

یکی از ویژگی‌های ساختاری جمله‌ها استفاده از جمله‌های معترضه است. میان جمله یا جمله معترضه یا بند وابسته عبارت یا جمله‌ای است که در ضمن جمله اصلی می‌آید و درباره نهاد جمله توضیح می‌دهد یا مفهومی آرزویی، اندرزی یا توصیفی را می‌رساند و حذف آن خللی ایجاد نمی‌کند. جمله معترضه در مفهوم جمله اصلی اثری ندارد و گاه پس از حرف ربط می‌آید و گاه به‌طور مستقل میان دو خط تیره قرار می‌گیرد. غزاله علیزاده در آثار خود از جملات معترضه‌ی زیادی در این پنج داستان بهره جسته است که در زیر به تنها به دو نمونه‌ای که در داستان «بعد از تابستان» آمده است اشاره خواهیم کرد، اما مستور در بین این پنج داستان تنها در یکی از داستان‌ها (چند مسئله ساده) از جمله‌ی معترضه استفاده کرده است که مجموعاً چهار جمله می‌باشد که در زیر بیان شده است، تعداد جملات معترضه‌ی مستور از غزاله علیزاده بیش تر است.

- فرزند دیگرش در اثر پرتاب بطری خالی مشروب راننده تاکسی \_ که از گریه کودک به ستوه آمده بود \_ کشته شد (مستور، ۱۳۸۹: ۶۴).

- هم‌زمان با B زنش \_ و C \_ معشوقه‌اش \_ رابطه دارد (مستور، ۱۳۸۹: ۶۸).

- سمت دیگر میز، کنار یکی از بانوان سالمند، زنی میان‌سال و فربه اندام بود در لباسی تنگ و سیاه‌رنگ، شال بزرگی روی شانه‌ها، بر اندامش سه زینت پریها، دو گوشواره و انگشتری از الماس، می‌درخشید و با خنده‌های بی‌غش او که حاصل اعتماد به نفسی آموخته و پایدار بود \_ آن‌سان که گویی با تکیه بر چیزی نامعلوم، هم ضرب رشد هویت شخصی او، دیگران با سیری معکوس به قهقرا رفته بودند \_ هماهنگ بود (علیزاده: ۱۳۳۵: ۱۸).

در سه کنج روشنی از تالار، به پرتو حباب کهربایی چراغ دیواری که بر آن نقوشی از گل‌های پنج‌پر عنابی زده بودند و پایه‌ی برنجی و رخشان داشت، بر راحتی‌های نرم و تابستانی از کتان نباتی که برای پذیرایی ایوان بود \_ و آن شب استثنائاً همراه بسیاری

<sup>۱</sup>parenthetical Sentences



صندلی‌ها و نیمکت‌ها و وسایل دیگر به تالار آمده بودند - انجمنی کوچک از مردان میان‌سال به فراغت نشسته بودند (علیزاده: ۱۳۳۵: ۵۹).

#### ۳-۴ بررسی سطح گفتمانی (ویژگی‌های برون‌متنی و دیدگاه‌ها)

غزاله علیزاده در داستان‌های خود به بیان تجربیات جهان خارج نیز پرداخته است، این در حالی است که مستور تنها به بیان واقعیت و آنچه در دنیای واقعی اتفاق می‌افتد بسنده می‌کند. در بحث تحلیل گفتمان علیزاده، او با توجه به این که گفتمانی زنانه دارد مباحثی اساطیری و جادویی را در داستان‌های خود وارد می‌کند، همچنین قوه‌ی تخیل نویسنده با توجه به جنسیت او به قدری بالا است که شخصیت‌های خیالی را وارد داستان‌های خود کرده است. به‌عنوان نمونه، علیزاده در داستان کوتاه جفت از شخصیت‌های خیالی تارانتولاها و موتسوویت‌ها استفاده می‌کند:

-باز به زمین نگاه کرد و لرزان و وحشت‌زده عقب عقب رفت تارانتولاها را نینگا کن!  
دارن خونشو می‌لیسن حیوانائی با بدن گرگ و سر آدم دارن خونشو می‌لیسن. اونا رو می‌بینی؟ (علیزاده، ۱۳۴۶: ۸).

علیزاده در داستان شجره طیبه نیز از درختی خیالی بر روی پرده‌ای که از بازار خریداری کرده است صحبت می‌کند، درختی زنده که هفت‌گانه است، هفت‌صدساله با هفت‌صد نوع میوه‌ی هفت‌ساله که اتفاق چنین چیزی در واقعیت ممکن نیست و تنها در اساطیر و خیال اتفاق می‌افتد. همچنین علیزاده در داستان بعدی خود از مجموعه «سفر ناگذشتنی» به گیاه «پاندارا» اشاره می‌کند که وجود چنین گیاهی که راوی قصه را به اساطیر می‌کشاند در واقعیت امکان‌پذیر نیست. او در داستان «جزیره» نیز از عشق اساطیری آسیه و بهزاد سخن می‌گوید که باعث شده عشق زمینی خود یعنی نسترن را نبیند و شیفته و سردرگم عشق اثیری آسیه است که پیدا کردن او ناممکن است. در داستان پنجم از علیزاده هیچ اتفاق غیرواقعی نمی‌افتد، گفتمان زنانه او تنها به مسائل زنانه اشاره می‌کند.

#### ۵- نتیجه‌گیری

بررسی و مقایسه‌ی آثار علیزاده و مستور نشان داد که بر اساس چارچوب سارا میلز سبکی به‌عنوان سبک زنانه وجود دارد که مختص نویسندگان زن است. با استفاده از انگاره سبک‌شناسی سارا میلز و عناصر تعریف‌شده او در سبک‌شناسی فمینیستی می‌توان سبک زنانه را در داستان‌های کوتاه فارسی بررسی کرد. میلز به‌منظور تحلیل آثار نویسندگان زن سؤالاتی طرح کرده است که

توسط آن می‌توان سبک زنانه را بررسی کرد. در مطالعه‌ی فرهنگ‌های مختلف مشاهده می‌شود که گروه‌های مختلف، جهان‌بینی‌های متفاوتی دارند که در زبان‌شان منعکس می‌شود. نویسندگان زن به طبع پیروی از ذات و هستی خود سبکی متفاوت از نویسندگان مرد دارند که سبک زنانه نامیده می‌شود. سبک نوشتاری غزاله علیزاده و مصطفی مستور به تبعیت از جنسیت آن‌ها بر اساس انگاره سبک‌شناسی زنانه متفاوت است.

در تمامی آثار علیزاده، تصاویر زنانی از هر قشر و هر طبقه جامعه دیده می‌شود و این نمونه‌های کوچک اما جامع زندگی است که در هستی متن روایت می‌شود. علیزاده از تصویر، تخیل و آرمان‌هایش به ه می‌جوید تا عشق، تربیت خانواده و فرزند، خیانت، ناکامی، هوس و ... را به تصویر بکشد. وی چون دیگر زنان نویسنده دهه‌های شصت و هفتاد به دنبال صدایی مستقل برای جنس خود است. این نویسنده در ادامه سنت داستان‌نویسی زنانه تلاش کرد تا به مشکل هویت و جایگاه زن ایرانی بپردازد و به انتقادی تند و بی‌پروا از سلطه‌ی جامعه‌ی مردسالارانه که زن را در پله‌ای از بایدها و نبایدها محبوس می‌کند، دست زند. علیزاده از تصویر، تخیل و آرمان‌هایش بهره می‌جوید تا جنبه‌های مختلف زندگی زن را نشان دهد؛ زیرا در پی کشف هویت خویشتن به‌عنوان یک زن و رهایی از سنت‌های موجود نظام مردسالاری و پدرسالاری جامعه‌ی ایرانی است.

مهم‌ترین ویژگی‌های زبانی آثار علیزاده که در تولید معنا و القای زنانگی در متن نقش دارند، عبارت‌اند از: کاربرد مواردی مانند توصیف، جزئی‌نگری، دیدگاه زنانه، انتخاب شخصیت‌های متعدد زن و نشانه‌های فرازبانی که خاص زنان است مانند خط فاصله، قیدها و هنجار‌گریزی در برهم زدن ساختار زبانی. در سطح اندیشگانی و محتوایی، نویسنده ضمن برخورد با کلیشه‌ها، سعی در به چالش کشاندن فرهنگ مردانه دارد. تأکید بر جنبه‌های روزمره و مکرر زندگی زنان که در ظاهر چندان اهمیتی ندارد و باز نمودن تجربه‌های خاص زنانه، زمینه‌ای برای آشتی دادن مردان با زندگی زنان است.

در پایان، غزاله علیزاده تحت تأثیر جنسیت خود از واژگانی استفاده کرده است که هویت زنانه را بازتاب می‌دهد؛ اما در مقابل مصطفی مستور واژگانی که از محکم بودن مردانگی سرچشمه می‌گیرد و هویت مردانه دارند استفاده کرده است. اگرچه مستور در هر شش داستان از مجموعه داستانی «تهران در بعد از ظهر» نقش زن را به‌وضوح بیان کرده است اما سبک او سبکی

زنانه نیست او تنها به نقش زنان پرداخته و بیش از حد شخصیت زنان را سیاه نشان داده است، همچنین مؤلفه‌های سبک زنانه در آثار او مشهود نیست. هرچند هر دو نویسنده در داستان‌های خود شخصیت‌های زن و مرد را دارا هستند اما هر یک به نحوی تحت تأثیر عقاید و باور خود شخصیت‌های مخالف خود را بدون توجه به جزئیات جنسیتی او معرفی کردند.

از دیگر مشخصه‌های نوشتار زنانه استفاده از رنگ و واژه‌ها، تکیه کلام‌های زنانه و نشانه‌های فرازبانی است. مردان و یا به‌طور کلی سبک مردانه از صورت‌های عقلانی، صریح استفاده می‌کنند، این سبک به سمت کلی‌نگری و استفاده از فرآیندهای ذهنی پیچیده گرایش دارد، سبک مردانه از قواعد دستوری پیروی می‌کند و مردان در این سبک به بحث تسلط دارد.

پس از بررسی آثار این دو نویسنده در سه سطح لغوی، نحوی و گفتمان مشخص شد که نویسنده‌ی زن (غزاله علیزاده) بیش‌تر از نویسنده‌ی مرد (مصطفی مستور) در سطح لغوی علیزاده از واژگان متعلق به حوزه زنان، صورت‌ها و اقلام واژگان عاطفی، رنگ و واژه‌ها و صفت‌ها بیش‌تر از مستور استفاده کرده است. در سطح نحوی علیزاده در توصیف و جزئی‌نگری از مستور موفق‌تر عمل کرده است و جزئی‌ترین موارد را با استفاده از کاربرد صفت و رنگ واژه‌ها بیان کرده است. در سطح گفتمان نیز باید صریحاً اعلام کرد که غزاله علیزاده در داستان‌های خود به بیان تجربیات جهان خارج نیز پرداخته است، این در حالی است که مستور تنها به بیان واقعیت و آنچه در دنیای واقعی اتفاق می‌افتد بسنده می‌کند. در بحث تحلیل گفتمان علیزاده، او با توجه به این که گفتمانی زنانه دارد مباحثی اساطیری و جادویی را در داستان‌های خود وارد می‌کند، همچنین قوه‌ی تخیل نویسنده با توجه به جنسیت او به‌قدری بالا است که شخصیت‌های خیالی را وارد داستان‌های خود کرده است.

## منابع فارسی

- طاهری مبارکه، غلام محمد، (۱۳۷۵). *ریخت و درون‌مایه داستان*، تهران، نقش جهان، جلد دوم، چاپ دوازدهم.
- علیزاده، غزاله، (۱۳۷۸). *با غزاله تا ناکجا (مجموعه داستان)*، تهران: توس.
- علیزاده، غزاله، (۱۳۵۶). *سفر ناگدشتنی*، تهران: چاپخانه نقش جهان.
- علیزاده، غزاله، (۱۳۳۵). *بعد از تابستان*، تهران: کتاب موج.
- فاولر، راجر، (۱۳۹۰). *زبان‌شناسی و رمان*، ترجمه محمد غفاری، تهران: نشر نی.
- مستور، مصطفی، (۱۳۸۹). *تهران در بعد از ظهر*، تهران: چشمه.
- فیاض، ابراهیم و زهره رهبری، (۱۳۸۵). «صدای زنانه در ادبیات معاصر ایران». *پژوهش زنان*، ۴(۴): ۲۳-۵۰.
- نیکوبخت، ناصر و دسپ، سید علی و بزرگ بیگدلی، سعید و منشی‌زاده، مجتبی، (۱۳۹۱). «روند تکوین سبک زنان در آثار زویا پیرزاد»، *فصل‌نامه نقد ادبی*، ۵(۱۸): ۱۵۲-۱۱۹.
- وردانک، پیتر، (۱۳۸۹). *مبانی سبک‌شناسی*، ترجمه محمد غفاری، تهران: نشر نی.
- یونسی، خوشقدم؛ مشتاق مهر، رحمان؛ علیزاده، ناصر. (۱۳۹۶). *نشانه‌های سبک زنانه در ادبیات داستانی معاصر. ادبیات پارسی معاصر*، ۷(۳)، ۱۲۴-۹۳.

## References

- Lakoff, R. T. (1975). *Language and Women's Place*. New York: Harper Colophon Books.
- Mills, S. (1995). *Feminist Stylistics*. London: Routledge.
- Mills, S. (2005). *Feminist Stylistics*. second edition. published in the Taylor & Francis e-Library.



